

## اصل مطلب

### سخنرانی ترامپ در سازمان ملل مانع از قبول پیشنهاد مذاکره شد



محمد جواد ظریف روز گذشته پس از حضور در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با اشاره به طرح چهار ماده‌ای فرانسه گفت: «فرانسوی‌ها پیشنهادی مطرح کردند که مبنای و متن آن دو بحث متفاوت است؛ مبنای این طرح درخصوص بازگشت آمریکا به تعهدات برجامی خود است و در مقابل اجرای کامل برجام از سوی ایران و شروع گفت‌وگوها را در حوزه‌هایی مشخص مطرح کرده‌اند، اما الفاظی که در آن طرح آمده یا تقدم و تاخر بحث‌ها کماکان نیاز به بررسی دارد.»

وی افزود: «اما نکته مهم این است که در طرف آمریکایی علاقه‌ای را ندیده‌ایم که نشان دهد به دنبال انجام کاری جدی هستند. علتی که آقای روحانی با پیشنهادهای مطرح شده موافقت نکردند، این بود که آقای ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل رسماً گفت که نه تنها تحریم‌ها را کم نمی‌کنیم، بلکه تحریم‌ها علیه ایران را اضافه می‌کنیم؛ یعنی از یک طرف درخواست ملاقات و مذاکره می‌کردند و قبول می‌دادند تحریم‌ها را برمی‌دارند و از سوی دیگر همزمان در بیانات رسمی خود خلاف این صحبت‌ها را مطرح می‌کردند.»

### غنی‌سازی اورانیوم کشور ۴۰ درصد رشد می‌کند



علی اکبر صالحی در حاشیه نشست با اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با تأکید بر اینکه آماده‌ایم هر تصمیمی را که در چارچوب گام چهارم کاهش تعهدات برجامی گرفته شود،

اجرائی کنیم، گفت: «ظرف یکی، دو هفته آینده قسمت ثانویه رآکتور آب سنگین اراک راه‌اندازی می‌شود.» رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: «در بحث فنی مذاکرات برجام براساس توصیه‌هایی که شده بود، ماهیت تحقیق و توسعه را حفظ کردیم و در تحقیقات هیچ چیزی را کنار گذاشتیم؛ محدودیت‌های ما در حوزه زمان و عدد بود.» رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به راه‌اندازی تجزیه‌های ۱۰ و ۲۰ تایی سانتریفوژها گفت: «ما در گام‌های کاهش تعهدات برجامی و در یک چالش سیاسی نشان دادیم می‌توانیم توانمندی مان را به اوج برسانیم و در دو، سه هفته آینده یک تجزیه ۳۰ تایی را راه‌اندازی خواهیم کرد؛ این حرف برای ماشین‌های دیگر هم صادق است، بنابراین تحقیق و توسعه پابرجاست و ما برای زمان و اعداد محدودیت قائل شدیم.» وی در ادامه با اعلام این خبر که ظرف حداکثر یک ماه آینده نزدیک به دو هزار و ۵۰۰ سوپه ظرفیت پنج هزار و ۶۰۰ سوپی ما اضافه خواهد شد، افزود: «این یعنی ۴۰ درصد به غنی‌سازی ما اضافه می‌شود. تولید اورانیوم غنی شده بالای ۳/۵ درصد بسیار بالا رفته و به روزی پنج تا ۶ کیلو رسیده است؛ این یعنی ما به دوره قبل از برجام بازگشته‌ایم.» وی با اشاره به پیشرفت‌هایی که در نیروگاه هسته‌ای بوشهر صورت گرفته، گفت: «بتن‌ریزی‌ها در این نیروگاه در سطح وسیعی صورت گرفته و بزرگ‌ترین طرح صنعتی کشور به لحاظ حجم، اندازه و هزینه در بوشهر در حال انجام است و از صداوسیما می‌خواهیم درباره این دستاوردها به مردم اطلاع‌رسانی کنند.»

### هیچ مقام دولتی در پرونده حسین فریدون دخالت نداشته است



علی ربیعی، سخنگوی دولت در نشست خبری روز گذشته خود درباره پرونده حسین فریدون گفت: «آقای فریدون قبل از دولت آقای روحانی در دانشگاه گیلان پذیرفته می‌شود، سپس انتقال پیدا می‌کند به دانشگاه شهید بهشتی که بنا بر قانون هیچ اشکالی نداشته است. آقای رئیس‌جمهور اعلام کردند خواهان رسیدگی عادلانه هستند. برادر رئیس‌جمهور بودن قطعاً هیچ مزیتی برای آقای فریدون نداشته. هیچ فردی از سوی دولت، دخالتی در پرونده آقای فریدون نداشته است. حسین فریدون پیش از انقلاب در سن ۱۶ سالگی وارد خدمت شده، بعد از انقلاب هم سابقه جانبازی دارد. انتقال ایشان به دانشگاه شهید بهشتی قانونی بوده است. آقای روحانی اعلام کرد هیچ خط قرمزی ندارد و فقط انتظار داوری منصفانه دارد. اجازه دهید دادگاه کار خود را انجام دهد.»

# سیاست

### چرا برخی اصلاح‌طلبان رادیکال همچنان از امکان عدم حضور در انتخابات می‌گویند

## سرگیجه سیاسی یا نمایش فریب؟

در شرایطی که زمان زیادی تا انتخابات مجلس یازدهم باقی نمانده، بازار تحولات انتخاباتی میان فعالان و گروه‌های سیاسی حساسی داغ شده است. گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب هم از این قاعده مستثنی نیستند و حرف‌ها و بحث‌ها درباره نحوه حضور در انتخابات و کیفیت مشارکت و مساله ائتلاف و... میان آنها به اوج رسیده است. در این میان گروهی از لزوم حضور حداکثری می‌گویند، در مقابل گروهی نسنخه شرط و شروط گذاری برای حاکمیت، گروهی دیگر حضور کم اما موثر را مناسب‌ترین راهبرد می‌بینند و در نهایت گروه دیگری هم هستند که اساساً به دوری از قدرت و بازسازی گفتگمانی و تشکیلاتی معتقدند. طیف‌های مورد اشاره اما به رغم آنچه درباره ادامه راه اصلاحات می‌گویند و با وجود تفاوت‌هایی

### مشارکت مشروط

از جمله سناریوهایی که این روزها برخی اصلاح‌طلبان سعی می‌کنند آن را جدی‌تر از آنچه هست به تصویر بکشند، ایده شرط و شروط گذاری برای حاکمیت است؛ ایده‌ای که در بطن خود بیش از هر چیز خط و نشان تحریم انتخابات را به حاکمیت و بدنه اجتماعی منتقل می‌کند. چراغ اول را در این باره سعید حجاریان روشن کرد؛ جایی که او انتخابات به معنای کنونی را مصداق گدایی قدرت دانست و اعلام کرد اصلاحات صدقه‌گیر نیست و اگر مکتب دارد، باید با اتکا بر آن به بازار سیاست برود و اگر ندارد باید تلاش کند آن را کسب کند نه آنکه به هر جنس تجلّی تن دهد. این ادبیات چندی بعد با صراحتی بیشتر مجدداً از سوی حجاریان مطرح شد و تئوریسین اصلاحات در یادداشتی در این باره نوشت: «اگر شروط اصلاح‌طلبان محقق نشود، عطاى انتخابات را به لقايش می‌بخشيم.» حجاریان البته گویا خیلی تنها نیست و به نظر می‌رسد ایده او هواداران دیگری هم دارد. تاجزاده هم معتقد است نباید به هر قیمتی در انتخابات شرکت کرد. همین پیشنهاد را شکوری‌راد، عبدالله ناصری و خیلی‌های دیگر هم می‌دهند. اگرچه این سوال همچنان بی پاسخ مانده که اساساً چه تحول عمده‌ای نسبت به قبل رخ داده که برداشت برخی از حضور در انتخابات مجلس و دولت را دستخوش تغییر کرده و مگر طرح موضوع رد صلاحیت‌ها موضوعی جدید است و اگر نیست چرا اصلاح‌طلبان در مقاطعی که نسبت به نتیجه انتخابات تا حد زیادی امیدوار بودند-مثل انتخابات ۹۲ در فاصله دو سال بعد از تحریم انتخابات مجلس نهم- تن به تحریم ندادند و شرط نگذاشتند؟

### دوری از قدرت و بازسازی گفتگمانی و تشکیلاتی

مهم‌ترین حامی این استراتژی میان نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب را به جرأت می‌توان محمدرضا تاجیک دانست. کسی که مدت‌هاست اعتقاد دارد اصلاح‌طلبی به دست برخی از اصلاح‌طلبان به حاشیه رفته است. عناصری که هم در خون نعمت و قدرت حضور دارند و منشی از خودشان بروز می‌دهند که بتوانند هر جایی که توزیع قدرت هست حضور داشته باشند و هم به موقع لیز می‌خورند و چهره اپوزیونیستی به خودشان می‌گیرند و از باز خوردهای این چهره بهره می‌برند. تاجیک معتقد است نباید سیاست‌ورزی را در داشتن تمامی مراکز قدرت ببینیم و اساساً اصلاح‌طلبان به یک دوران دور از خانه قدرت احتیاج دارند که در این فضا مجال دیدن، محاسبه نفس و نقد خود را پیدا کنند؛ دورانی که او آن را اقتضای بازسازی گفتگمانی می‌داند. دیدگاه تاجیک را البته باید در اقلیت مطلق دانست چرا که تاکنون مشرتی خاصی نداشته و هیچ یک از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب به دلیل تبعات احتمالی آن با این ایده همراهی نکرده‌اند.



کشاند و لیستی بحث‌برانگیز را به اصلاح‌طلبان تحمیل کرد و بار دیگر نیز آنها را ناچار به فرستادن جهانگیری-به‌عنوان اصلاح‌طلب‌ترین نیروی کابینه-به‌میدان تخت‌عنوان ضربه‌گیر برای روحانی کرد. هرچه هست حالا زلف اصلاح‌طلبان بدجور به زلف روحانی گره خورده و در شرایطی که اقتصاد و معیشت جامعه حال‌وروز خوبی ندارد، نه‌امکانی برای مرزبندی با دولت فراهم است و نه فضایی برای متوقف ماندن بر همپیمانی‌های سابق. همین وضعیت حالا باعث شده هریک از نیروهای سیاسی این جریان نسخه‌های متفاوت برای استمرار حضور این جریان در قدرت بپیچد.

### مشارکت حداکثری

عمده طرفداران مشارکت حداکثری را کسانی تشکیل می‌دهند که طعم حضور در ساختار قدرت به دهان‌شان مزه کرده و معتقدند فارغ از نحوه مواجهه شورای نگهبان یا بررسی صلاحیت‌ها نباید فرصت انتخابات را از دست داد؛ فرصتی که برای بهره‌برداری مناسب از آن حتی بار دیگر می‌توان به راهبرد ائتلاف هم فکر کرد. راهبردی که البته با توجه به تجربه مجلس دهم و رفقای نیمه‌راهی که همان ابتدای کار راهشان را از فرانسویان امید جدا کردند و به هم‌قطاران‌شان در اطراف رئیس مجلس ملحق شدند، تکرارش قدری دور از ذهن به نظر می‌رسد. به‌ویژه آنکه حالا خیلی‌ها یک پای بحران هویت اصلاح‌طلبی را ناشی از راهبردهایی از این دست می‌دانند و معتقدند در حال حاضر برای بدنه اجتماعی این جریان مشخص نیست و نخبانگان اصلاح‌طلب هم پاسخی برای این سوال ندارند که در عالم واقع مرز اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل و میانه‌روها کجاست؟ هرچه هست این نوع نگاه به‌طور ویژه میان کارگزاران طرفدار دارد. طیفی که به نظر می‌رسد از حالا چراغ سبز چشمک‌زن را برای لاریجانی و رفقا روشن کرده. نیروهای این جریان البته به همین حد بسنده نکرده و حتی بر آنهاپی که از مشارکت مشروط و دوری گزیدن از قدرت و... سخن می‌گویند، می‌تازند. صحبت‌های محسن هاشمی در گفت‌وگو با سازندگی در همین چارچوب قابل‌ارزیابی است. جایی که رئیس شورای مرکزی کارگزاران، برخی اصلاح‌طلبان را به درجا زدن در فضای اپوزیسیون‌نمایی دوره احمدی‌نژاد متهم می‌کند و می‌آییم-نمی‌آییم‌ها را به ترس برخی از شکست نسبت می‌دهد. او با تأکید بر اقتضات تصدی حاکمیت و مسئولیت‌های اجرایی تصریح می‌کند که اصلاح‌طلبان با شعارها و ذهنیت ایده‌آلیستی و آرمان‌گرایانه وارد مناصب انتخابی و اجرایی می‌شوند، اما پس از پیروزی نیز از فضای ذهنی آرمان‌گرایانه خارج نمی‌شوند و به دلیل فاصله داشتن از واقعیت‌ها و عمل‌گرایی، در اجرا موفق نمی‌شوند و زمانی که با احساس کاهش محبوبیت و نارضایتی توده مردم و بدنه اجتماعی خود مواجه می‌شوند، به‌جای تجدید نظر در مسیر گذشته، به کناره گرفتن از میدان می‌اندیشند و این چرخه باز هم تکرار می‌شود. هاشمی البته این راه را به ترک‌ستان می‌داند و با بیان آنکه بحران امروز اصلاح‌طلبان، ناکارآمدی داخلی است، ریشه این بحران را در نگاه سیاسی به مسائل اجرایی و عدم توجه به واقع‌گرایی و عمل‌گرایی می‌داند و توضیح می‌دهد اگر اصلاح‌طلبان با همین وضعیت موجود در انتخابات مجلس خود را به رای مردم بگذارند، دست‌کم با کاهش موفقیت مواجه می‌شوند و اگر از انتخابات قهر کنند یا حضور مشروطی را که شرط‌های آن برآورده نمی‌شود، بگذارند از عرصه رسمی سیاست حذف می‌شوند.

### حضور کم اما موثر

این استراتژی را شاید بتوان قدری واقع‌بینانه‌تر از استراتژی‌های رقیب در جریان اصلاحات تلقی کرد. استراتژی‌ای که حالا محسن آرمین به‌عنوان جدیدترین وزن استراتژی‌های پیش‌روی اصلاح‌طلبان از آن رونمایی کرده. آن‌طور که آرمین متوجه شده دسوار بودن اصلاحات در ایران و طولانی بودن مسیر آن بخش‌هایی از اصلاح‌طلبان را به حضور در قدرت عادت داده و نفس حضور در قدرت را برای آنها به آن تبدیل کرده است. او ضمن رد این رویکرد به قدرت، انتخابات را بهار سیاست دانسته و تصریح می‌کند هیچ نیروی سیاسی‌ای حاضر نیست چنین فرصتی را از دست بدهد و اصلاح‌طلبان هم نسبت به آن بی تفاوت نخواهند بود. استراتژی‌ای که به‌زعم سخنگوی دولت اصلاحات، اصلاح‌طلبان براساس آن باید نسبت به هر حوزه انتخابیه متناسب با شرایط همان حوزه تصمیم بگیرند و در حوزه‌هایی که امکان رقابت فراهم باشد، شرکت کنند و از ارائه فهرست انتخاباتی در حوزه‌هایی که کاندیدای اختصاصی ندارند، پرهیز کنند.

## اهداف اصلی اصلاح‌طلبان از بازی انتخابات مشروط چیست؟

فراموش کنند که تنها در سایه وحدت‌رویه و تصمیمات یکپارچه و منسجم ممکن است به پیروزی برسند. البته حساب باز کردن روی چالش‌های درون‌گروهی رقیب در فضای سیاسی یک امر طبیعی است اما فریب‌خوردن در اثر مشاهده یک نمایش به‌اندازه‌بازی کردن همان نمایش برای فعالیت در عرصه‌سیاسی، تاسف‌بار و ناامیدکننده است. مساله سوم تلاش برای جلب رای منتقدان نظام و حاکمیت است. اصلاح‌طلبان به خوبی می‌دانند ظرفیت جذب منتقدان حاکمیت را دارند، به شرطی که خود جزئی از قدرت نباشند. از این‌رو برای افزایش بدنه رای و پایگاه اجتماعی در آستانه انتخابات مجلس از نشان دادن فاصله خود با حاکمیت به‌عنوان یک حربه انتخاباتی استفاده می‌شود تا شاید درصد موفقیت در انتخابات افزایش یابد. مساله چهارم فرار از نتایج عملکرد است. اصلاح‌طلبان در این سال‌ها همچنان که خودشان معترفند، با ریزش بدنه اجتماع می‌آیند و با چند گزاره می‌توان به آنها پرداخت. مساله اول اینکه اصلاح‌طلبان می‌دانند فعالان خوش‌خیالی در جناح مقابل حضور دارند که به‌راحتی فریب فضای چندلایه و غیرشفاف سیاسی‌راخوردند و با مشاهده کوچک‌ترین نشانه‌های ضعف میان اصلاح‌طلبان، خیال‌شان راحت می‌شود که مردم رای خود را به صندوق اصولگرایان خواهند ریخت و از این‌رو دست از فعالیت و تلاش برای جمع‌آوری آرا خواهند کشید. به این صورت اصولگرایان با ساده‌ترین روش‌های ممکن در میدان رقابت و تبلیغات انتخاباتی حاضر خواهند شد و این مطلوب‌ترین شرایط برای اصلاح‌طلبان است. مساله دوم ادامه اولی است، به این صورت که اصلاح‌طلبان می‌دانند با نشان دادن تشمت میان جناح خودی، اصولگرایان سایه تهدید یک رقیب جدی را بالای سر خود نخواهند دید و این خود کافی خواهد بود تا دوباره گروه‌های مختلف اصولگرا به اختلافات خود بپردازند و

شرایط سیاسی و میدانی و تمام‌شواهد قرائنی که از این میدان به چشم هر ناظری می‌آید، گویای این است که اصلاح‌طلبان متفاوتاً آنچه در رسانه‌های می‌گویند می‌نویسند رفتار می‌کنند، چنانکه از مدت‌ها پیش همه کمیته‌های انتخاباتی شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان مشغول فعالیت شده‌اند و رقابت کنار زدن و همگی دور چهره‌ای حلقه‌زدند که کمتر در قریب فکری و سیاسی را با آنها داشت، کسی که از منظر فکری و گفتگمانی هیچ نسبیتی با آزادی که گفتگمان رایج اصلاح‌طلبان است، نداشت و از منظر سیاسی هم دقیقاً در مقابل آنها و از میان جامعه روحانیت مبارز وارد میدان سیاست و انتخابات شده بود. اصلاح‌طلبان با حمایت از حسن روحانی در سال ۹۲ و تداوم این حمایت در انتخابات سال ۹۶، نشان دادند برای حضور در قدرت حاضر به هر اقدامی ولو حمایت‌زاد کاندیدای سنتی راست‌گرا چون حسن روحانی هستند. البته البته در میانه راه و در فاصله دو انتخابات ریاست‌جمهوری از این هم پارا فراتر گذاشتند و در انتخابات مجلس دهم در ائتلافی عجیب لیست مشترکی با علی لاریجانی که نمادی از جریان اصولگرایی است، ارائه کردند و نزدیکان او یعنی کاظم جلالی و بهروز نعمتی را که آنها نیز چهره‌هایی اصولگرا بودند در لیست تهران یا همان لیست امید جای دادند و با این روش وارد مجلس شدند. این تجارب که هر کدام در نوع خود عجیب و غریب است نشان می‌دهد اصلاح‌طلبان چگونه برای حضور در قدرت حتی حاضر به اجماع با رقبای سیاسی و دست کشیدن از مواضع و گفتگمان خود نیز هستند و از همین‌رو هم بسیار بعید به نظر می‌رسد آنها برای انتخابات آتی چه مجلس و چه شورای اسلامی از رقابت دور بمانند تا برای مثال بتوانند خود را احیا کنند.